

شناسایی مولفه های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۵

اردشیر کاظمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۷

مرجان کیان (نویسنده مسئول)^۲عباسعلی قیومی^۳محسن عامری شهرابی^۴

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر شناسایی مولفه ها و زیر مولفه های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره متوسطه می باشد. پارادایم پژوهش کیفی است و از روش نظریه مبنایی استفاده شده است. این پژوهش از لحاظ هدف در دسته پژوهشهای کاربردی قرار میگیرد. جامعه پژوهش متخصصان و خبرگان هنر، علوم تربیتی و مدیریت امور فرهنگی و اطلاع‌رسانها ۲۰ نفر بودند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع ملاک‌محور تا رسیدن به اشباع دادهها انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بود و جهت تجزیه و تحلیل دادهها از کدگذاری و مقوله‌بندی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل دادههای کیفی اطلس تی.آی استفاده شده است. روش: این پژوهش به روش کیفی انجام شده است و به منظور کشف عوامل و مولفه های تاثیر گذار بر تربیت هنری برای دانش آموزان دوره اول متوسطه و مطالعه روابط بین این متغیرها از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده است. یافته ها: یافته های پژوهش نشان می دهد که مهم ترین مولفه های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ایران شامل: فناوری، زمینهای اجتماعی، زمینهای سیاسی، زمینه های فرهنگی می باشد که بر این اساس مولفه های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه گیری: از آنجایی که یکی از شئون و ابعاد حیات طیبیه (هدف غایی تعلیم و تربیت) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شان زیباشناختی و هنری؛ ناظر به فعالیت قوه تخیل و بهره مندی از عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی شاگردان و توان خلق آثار هنری معرفی شده است، لذا سیستم آموزشی باید با تاکید بر زمینه ها و عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناوری در طراحی و اجرای برنامه های درسی و آموزشی موجبات ارتقاء تربیت هنری دانش آموزان را فراهم آورد.

کلید واژه ها: تربیت هنری، دوره متوسطه اول، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل فناوری

^۱دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران @ardeshir117@gmail.com

^۲دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران kian@khu.ac.ir

^۴دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران A_ghaiyoomi@iau-tnb.ac.ir

^۴دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Mohsen.amerishah@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

تعلیم و تربیت مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است که معلم از آن آگاهی دارد و برای رسیدن به هدف بارزشی، از آن میان اعمال و رفتارهای سودمند را برمی‌گزیند، بنابراین باید متوجه هدفی باشد. همچنین برنامه ریزان درسی می‌بایست زمانی به تهیه راهنمای برنامه درسی و تالیف کتب پردازند که بدانند به کدام هدفها می‌خواهند برسند و از دانش آموزان انتظار دارند دارای چه ویژگی‌هایی بشوند و سرانجام نقشه کاربردی آنها چیست؟ از این روتعلیم و تربیت کوششی هدفدار است. معلم و برنامه ریزان درسی می‌دانند که چه می‌خواهند و کجا می‌روند، پس مستلزم طرح و نقشه راهنما و کاربردی مناسب است. یکی از کوشش‌های هدفدار در تعلیم و تربیت که می‌تواند وسیله‌ای برای بهتر تعلیم یافتن، بیداری ذوق و شکوفایی استعدادها، تربیت حس زیبایی‌شناسی، شکل‌گیری شخصیت سالم و متعادل باشد، درس هنر است. در واقع، پیشرفت‌ها و تحولات پرشتاب کنونی و مطرح شدن دیدگاه‌هایی همچون تکثرگرایی شناختی، هوش‌های چندگانه، انواع سواد، هوش هیجانی و غیره، ایجاب می‌کند که با نگاهی جامع به انسان، امکان پرورش شخصیتی متوازن فراهم گردد (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۴: ۷-۶).

تربیت هنری به عنوان یکی از کارکردهای اساسی و مهم نظام آموزشی مطرح می‌باشد. اهمیت این کارکرد از آن جا ناشی می‌شود که تربیت هنری در ایجاد و باور سازی زمینه‌های سازنده‌ای مانند بروز نوآوری، خلاقیت، رشد مهارت‌های فکری و شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات (تربیت عاطفی) ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی و رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های مربوط به دست‌ورزی کردن و... تاثیر شگرف دارد (انتظامی، ۱۳۹۶: ۷۶). از دید بسیاری از افراد شاخص و برجسته در حوزه تعلیم و تربیت و خارج از آن، آموزش هنر باید حتی به یک بخش اساسی از برنامه درسی مدارس بدل شود. باید بر هنر در کنار مهارت‌های اساسی سه‌گانه‌ای که به رسمیت شناخته شده‌اند (خواندن، نوشتن، حساب کردن)، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه ۱ در برنامه درسی تأکید شود. و بی‌مهری و انزوای سنتی و تاریخی از آن رخت بریندد. آیزنر یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک یک جایگاه معقول و مناسب برای هنر در آنها برنامه‌های درسی می‌داند (آیزنر، ۲۰۱۳: ۸۶).

با توجه به جایگاه مهم تربیت هنری افراد جامعه، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه‌های موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ایران انجام گردید.

۱. سوال پژوهش

با توجه به مقدمات و مفروضات فوق به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که: مهم ترین مولفه هایی که تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه را مورد تاثیر قرار می دهند کدامند؟ و بدین نحو هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ایران است

۲. پیشینه و چارچوب

۱-۲. تربیت هنری

آنچه در تربیت هنری مطرح میشود این است که دانش آموزان یادگیرند چگونه ببینند، بشنوند، ارتباط برقرار سازند و به سوی تولید محصول هنری حرکت کنند. آنها می آموزند که چگونه محیط می تواند به احساس و عمل آنها شکل دهد و چگونه با فعالیتی منظم و هدفمند می توانند قابلیت های وجودی خود را برای بیان هنری رشد دهند. بنت رایمر^۱ تربیت هنری را (رشد آگاهی و حساسیت نسبت به ویژگی های زیبایی شناسانه اشیا و پدیدهها) تعریف میکند (امینی، ۱۳۹۷). در تربیت هنری، دانش آموزان با فرهنگ و هنر ایرانی آشنا می شوند. آنها آثار هنری و تاریخی و نیز آداب و رسوم و سنتهای پسندیده کشور خود را در قالب آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران می شناسند. میراث فرهنگی متشکل از دو واژه میراث و فرهنگ است. همچنین به منظور تدریس مناسب تاریخ هنر توسط معلمان در دوره متوسطه، روش ها و فعالیت های یادگیری از جمله سازماندهی تصاویر ذهنی، تبیین اهداف هنری، منابع مطالعاتی، فعالیت های کارگاهی استفاده می شوند (اولکسیک همکاران^۲، ۲۰۱۹).

۲-۲. مؤلفه های تربیت هنری

هید، استابروک و نوسترانت در راستای توجه به بعد تربیت هنری در برنامه های درسی معتقدند که برنامه درسی هنر باید شامل مؤلفه های تولید هنری، تاریخ هنر، زیبایی شناسی و انتقاد هنری باشد. به منظور پرورش انسانهایی با آفرینندگی و زیبایی های هنری، لازم است در نظام آموزشی، ساز و کار مناسب برای تربیت انسانهایی با سواد هنری ترتیب داده شود، تا هم خود از هنر لذت ببرند، هم در تربیت دینی دیگران مؤثر واقع شوند. در این راستا تربیت هنری دیسپلین محوره که یکی از رویکردهای نوین در آموزش هنر است، چهار بعد یا ظرفیت را برای توسعه آموزش هنر مدنظر قرار می دهد (امین خندقی و پاک مهر، ۱۴:۱۳۹۲) این موارد عبارتند از تولید هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی. اما آیزنر (۱۹۹۷) که در واقع سردمدار به رسمیت شناختن جایگاه هنر و تربیت هنری در برنامه های درسی مدارس است، معتقد است شمول و جامعیت برنامه درسی باید به حدی باشد که امکان بروز و ظهور تجارب مختلف را در اشکال متنوع و آموزش انواع سواد فراهم سازد. وی اعتقاد دارد که در مدارس تدریس هنر باید در چهار مولفه و جهت گیری، که نوعاً بازندگی انسان مرتبط است، انجام گیرد. از این رو آیزنر مهمترین اهداف برنامه درسی هنر را در قالب چهار هدف تولید هنری، نقادی هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی تبیین و تصریح می کند. به هر صورت، از بررسی اهداف ذکر شده فوق، می توان استنباط کرد که مجموع

اهداف تربیت هنری در دوره ابتدای که حصول و برآورد آنها باید در دستور کار نظام آموزشی کشور قرارگیرد می توان در قالب چهار هدف به شرح زیر ارائه کرد:

۱. رشد آگاهی، ادراک و شناخت میراث فرهنگی و تاریخی جامعه از طریق بررسی و تعمق در آثار هنری مختلف.
 ۲. رشد نگرش های مطلوب و مثبت نسبت به هنر و آثار هنری و قدرشناسی و ارزش گذاری آنها در اشکال مختلف در طول زندگی .
 ۳. رشد مهارت های مربوط به بررسی و تحلیل انتقادی آثار هنری .
 ۴. رشد و پرورش مهارت های مربوط به تماس، دست ورزی کردن مواد و وسایل مختلف، بروز افکار و تمنیات درونی خود با وسایل مذکور .
- بر این اساس می توان گفت که اهداف تربیت هنری مذکور ناظر به چهار هدف عملی و کاربردی، فرهنگی و تاریخی، ارزش گذاری و زیبایی شناسی و بررسی تحلیلی و انتقادی می باشد (سوکما و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۱۲).

۲-۳. رویکرد هنر در دوره متوسطه

رویکرد هنر در دوره متوسطه «تربیت هنری» است. انجام دادن فعالیت های هنری در فضایی که فرد، آزادانه تخیل و اندیشه کند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت های نهفته هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت هایشان شکوفا شود به تربیت هنری منجر میشود. به جرأت میتوان گفت که همه دانش آموزان فعالیت های هنری را دوست دارند. آنها در این گونه فعالیتها و هنگام انجام دادن کارهای عملی، طراحی، ساختن، شکست و پیروزی را تجربه می کنند. به این ترتیب، مولفه ای برای بروز خلاقیت و احساسات آنها فراهم میشود. در هر انسانی چه جوان و چه پیر ذوقی دارد؛ زیرا همه ما از تمایل فطری برای استفاده از دستهای خود و نیز مواد لازم به عنوان ابزارهایی برای بیان هنری برخورداریم. فعالیت های هنری در دوره ابتدایی موجب افزایش مهارت های کلامی و بیان غیر کلامی کودکان می گردد، همچنین سبب افزایش صبر و تحمل و سعه صدر در کودکان، تقویت نظم و انضباط در آنان و توانایی برقراری ارتباط مطلوب با محیط شده و کنترل عواطف و تخیلات را به همراه دارد. فعالیت های هنری سبب تقویت یادگیری، حافظه و دقت کودکان و توسعه تجارب و سازماندهی آن و همچنین افزایش اعتماد به نفس و تلاش و موفقیت بیشتر در دانش آموزان می گردد (امینی، ۱۳۹۷). در دوره متوسطه، در مرحله تعیین اهداف کلی و جهت گیری های اساسی، باید به مولفه های فرهنگی و هنری توجه کرد تا براساس آنها بتوان ساز و کارهای مناسب برای محقق ساختن این اهداف کلی فراهم کرد. بنابراین اهداف کلی برنامه درسی هنر دوره متوسطه عبارتند از:

- پرورش حس زیبایی شناسانه
- پرورش حس جستجوگری و خلاقیت

- آشنایی با تاریخ هنر ایران، جهان و قدردانی از میراث فرهنگی خود
- توانمندساختن دانش آموزان جهت اظهار خود از طریق گونه های هنری متنوع
- توانمندساختن دانش آموزان جهت تفسیر و قضاوت ارزشی آثار و دستاوردهای مختلف هنری خویش و دیگران (مهرمحمدی، ۱۳۹۸).

۲-۴. نقاط قوت و ضعف نظام آموزشی در تربیت هنری

تقاضای افزایش کیفیت نیروی انسانی شاغل در بخش تربیت هنر و نیز اعلام نیاز به گذراندن دوره های ضمن خدمت چشمگیرترین نقطه قوتی است که در بخش منابع انسانی به چشم می خورد. این موارد، از آن رو نقطه قوت به شمار می رود که بر تمایل مدیران میانی و آموزشگاهی و نیز خود نیروی انسانی شاغل در این بخش، اعم از نیروی انسانی متخصص یا غیرمتخصص، به توانمندسازی منابع انسانی دلالت دارد (ماریانتی و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۸). البته این نقطه قوت در مقابل نقطه ضعف بزرگی که همانا عدم تأمین نیروی انسانی آموزش دیده در این زمینه است، رنگ می بازد. کمبود نیروی انسانی متخصص و با تجربه در امر آموزش هنر، اشتغال به آموزش هنر توسط نیروهایی که مدرک تحصیلی آنها تناسبی با تدریس این درس ندارد، استفاده ابزاری از کلاس هنر برای پر کردن ساعت موظف معلمان دروس دیگر، حادثترین مسائلی هستند که این حوزه موضوعی از آن رنج می برد. محاسبه تعداد مدارس راهنمایی و نیز تعداد دبیران هنر، در گزارشی که با عنوان «معلمان هنر در دوره راهنمایی تحصیلی» با استفاده از آمار و اطلاعات مربوط به سال تحصیلی ۸۶ - ۸۵، تهیه شده است، نشان می دهد که به طور متوسط برای هر ۱۰ مدرسه، تنها یک معلم هنر وجود داشته و این نسبت در مناطق روستایی، اسفناک تر بوده به گونه ای که هر ۲۰ مدرسه یک معلم هنر داشته است. اشتغال کمتر از نیمی از فوق دیپلم های رشته علوم هنری به تدریس هنر، انتقال نیمی از فارغ التحصیلان رشته علوم هنری به دوره های تحصیلی دیگر یا سایر بخش های پشتیبانی آموزش و پرورش، از دیگر کاستی های منابع انسانی ذکر شده در این گزارش هستند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۴).

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع پژوهشهای کیفی میباشد. روش تحقیق کیفی به چندین روش جمعآوری دادهها از قبیل تحقیق میدانی^۲، مشاهده یا مشارکت^۳ و مصاحبههای عمیق^۴ اشاره دارد. تفاوتهای قابل ملاحظه ای بین این راهبردهای^۵ تحقیقی وجود دارد؛ اما همه آنها بر نزدیک شدن به دادهها^۶ تاکید دارند و بر این مفهوم استوارند که تجربه بهترین راه برای رسیدن به درک رفتار

^۱ - Maryanti et al

^۲ - Field Research

^۳ - Participand Observation

^۴ - In-Depth Interviews

^۵ - Strategies

^۶ - Getting Close to Data

اجتماعی است (دلاور، ۱۳۸۹). به منظور کشف عوامل و مولفه های دخیل در الگوی تربیت هنری برای دانش آموزان دوره اول متوسطه و مطالعه روابط بین این متغیرها از روش نظریه داده بنیاد استفاده شده است. از آن جایی که طراحی الگو برای تربیت هنری در نظام آموزشی کشور مطلوب این پژوهش بود، لذا روش نظریه داده بنیاد انتخاب گردید تا با این مطلوب سازگاری داشته باشد. نظریه داده بنیاد هم ابزاری برای ایجاد نظریه و هم تکنیکی برای انجام پژوهشهای کیفی محسوب می شود. بر این اساس مدل سیستماتیک یا نظام مند استراوس و کریبن استفاده شد که در این مدل مجموعه منظمی از رویه ها برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقراء در مورد یک پدیده بکار گرفته می شود و از سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی برای رسیدن به نظریه استفاده شده است.

روش گردآوری اطلاعات

۳-۱. روش گردآوری داده ها

۳-۱-۱. روش کتابخانه‌ای

روش مطالعه نظری و کتابخانه‌ای عمدتاً برای مطالعه ادبیات موضوع و بررسی پیشینه پژوهش و همچنین مطالعات و دیدگاههای یک مراجع به موضوع مورد پژوهش وجود داشته و نیز برای ایجاد چارچوب مناسب جهت بررسی موضوعات انتخاب میشود. لذا با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای شامل: کتب، فصلنامه‌های علمی پژوهشی، مقالات معتبر ISI، انتشارات مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، رساله‌های دکتری، جستجو در پایگاه‌های الکترونیکی اطلاعات، بخش تئوریک و ادبیات موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است (حافظ نیا، ۱۳۹۵).

۳-۱-۲. روش میدانی

در این روش محقق مدتی در میان جامعه مورد پژوهش خود زندگی می کند و به پژوهش درباره موضوعی خاص در آن محیط می پردازد. محقق هیچگونه دستکاری در محیط انجام نمی دهد، بلکه بدون هیچ دخالتی در جریان طبیعی رویدادها ندارد. در پژوهش میدانی، مشاهده عنصر اصلی را تشکیل می دهد. به عبارتی، منظور از مطالعات میدانی پژوهشهایی است که موضوع مورد مطالعه در اختیار محقق قرار داشته و بدان دسترسی باشد. پژوهش میدانی می تواند به عنوان یک رهیافت کلی و وسیع پژوهش کیفی یا روشی برای جمع آوری داده های کیفی در نظر گرفته شود. ایده‌ی اصلی این است که محقق به داخل میدان یا فیلد می رود تا پدیده‌ها را در وضع طبیعی خود مشاهده کند. از این رو، احتمالاً بسیار به مشاهده مشارکتی نزدیک است. محقق پژوهش میدانی نوعاً نکات مهم را یادداشت و بعد جمع آوری و تجزیه و تحلیل میکند. بنابراین روش‌های میدانی به روش‌هایی اطلاق می شود که محقق برای گردآوری اطلاعات ناگزیر است به محیط بیرون برود و با مراجعه به افراد یا محیط، و نیز برقراری ارتباط مستقیم با واحد تحلیل یعنی افراد، اعم از انسان، مؤسسات، سکونت‌گاه‌ها، مردها و غیره، اطلاعات مورد نظر خود را گردآوری کند. در واقع، او باید ابزار سنجش یا ظروف اطلاعاتی خود را به

میدان ببرد و با پرسشگری، مصاحبه، مشاهده و تصویربرداری آنها را تکمیل نماید و سپس برای استخراج، طبقه بندی، و تجزیه و تحلیل به محل کار خود برگردد (حافظ نیا، ۱۳۹۵). روش میدانی مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه است. در مصاحبه سوالاتی از خبرگان پرسیده شده و توسط ضبط مصاحبه، تحلیل کیفی انجام میشود.

۲-۳. ابزار گردآوری دادهها

ابزار گردآوری دادهها در این پژوهش، مصاحبه میباشد. لذا از مصاحبه نیمه ساختاریافته با پرسشهای باز پاسخ و در قالب تحلیل گراندد تئوری (داده بنیاد) استفاده شده است. افراد مورد مصاحبه همگی از متخصصان و خبرگان هنر، علوم تربیتی و مدیریت امور فرهنگی خواهند بود مصاحبه ها بصورت رو در رو، عمیق و با طرح پرسش های باز در بازه زمانی ۳۰-۶۰ دقیقه انجام گرفت. سوالات مصاحبه از نوع باز بوده و در خلال جریان مصاحبه طرح می گردد و پاسخ به یک سوال ممکن است سوال دیگری را به دنبال داشته باشد، ولی با این حال برای اینکه جریان مصاحبه از کنترل مصاحبه کننده خارج نشود در طول هر مصاحبه سعی شده که یک سوال کلیدی در کنار سایر سوالات پرسیده شود:

۱- از نظر شما مولفه ها و عوامل موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره اول متوسطه کدامند؟

پرسشهای تکمیلی فوق در خلال سایر پرسشها به منظور جهت دادن به مباحث و نیل به مقولههای مرتبط با تربیت هنری طرح شد. مصاحبهها ضبط گردید، زیرا تحلیل و بررسی دقیقتر دیدگاههای مصاحبه شوندگان نیازمند مرور چند باره گفتگو میباشد.

۳-۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل دادهها توسط روش داده بنیاد انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل داده در روش داده بنیاد، سه رویکرد عمده شامل رویکرد سیستماتیک^۱ (استراوس و کربین)، رویکرد نوحاسته^۲ (گلیزر) و رویکرد سازنده گرا^۳ (چارماز) وجود دارد. در این پژوهش از رویکرد سیستماتیک استراوس و کربین استفاده شده است. در نظریه داده بنیاد، محقق از یک فرایند ثابت و از پیش تعیین شده برای جمع آوری داده ها و تجزیه و تحلیل آنها استفاده نمی کند در این روش چون محقق در پی آزمودن نظریه یا فرضیه از پیش تعیین شده ای نیست و بدون هیچ نظریه اولیه ای اقدام به جمع آوری داده می کند، فرایند جمع آوری داده و تحلیل آنها با هم همپوشانی داشته و هم زمان با هم انجام می گیرد. یعنی، همزمان با کار جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل آنها نیز انجام می گیرد و سعی می شود تا رابطه بین داده ها کشف شود، تا در مراحل بعدی جمع آوری داده و تحلیل بکار گرفته شود این فرایند بصورت چرخشی مدام تکرار می شود و تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه می یابد. که در نهایت به ارائه نظریه منتهی می گردد. در این پژوهش بر اساس رویکرد سیستماتیک نظریه داده بنیاد، برای تحلیل داده های کیفی گردآوری شده سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می

^۱ - Systematic Approach

^۲ - Constructive Approach

^۳ - Constructive Approach

شود و در نهایت پارادایمی منطقی با تصویر عینی از نظریه خلق شده ارائه گردید. روش داده بنیاد در پژوهش حاضر توسط نرم افزار Atlas-ti انجام شده است.

۳-۴ یافته های پژوهش

مولفه های موثر بر تربیت هنری کدامند؟

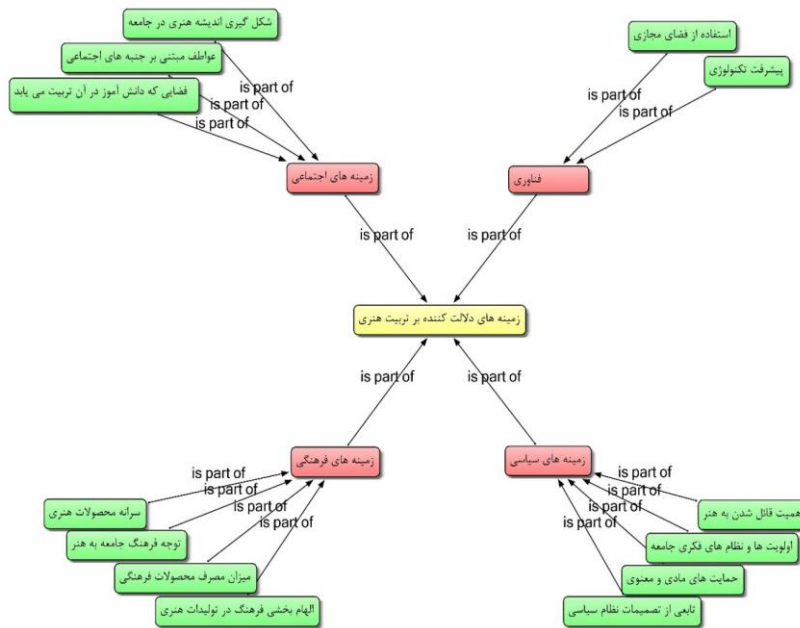
بر اساس یافته‌ها، مولفه‌های موثر بر تربیت هنری شامل: فناوری (پیشرفت تکنولوژی، استفاده از فضای مجازی)، مولفه‌های اجتماعی (شکل‌گیری اندیشه هنری در جامعه، عواطف مبتنی بر جنبه‌های اجتماعی، فضایی که دانش آموز در آن تربیت می‌یابد)، مولفه‌های سیاسی (اهمیت قائل شدن برای هنر، اولویت و نظام‌های فکری حاکم بر جامعه، حمایت‌های مادی و معنوی، تابعی از تصمیمات نظام سیاسی)، مولفه‌های فرهنگی (سرانه محصولات هنری، توجه فرهنگ جامعه به هنر، میزان مصرف محصولات فرهنگی، الهام بخشی فرهنگ در تولیدات هنری) است (جدول ۱).

جدول ۱. مولفه‌های موثر بر تربیت هنری

هدف	مولفه های اصلی	مولفه های فرعی	شواهد گفتاری
	فناوری	پیشرفت تکنولوژی	در حال حاضر با پیشرفت تکنولوژی و وضعیت کرونا که نتیجه آن آموزش مجازی است به مراتب این نقش موثرتر از حتی مدارس می باشد
مولفه های		استفاده از فضای مجازی	با همه گیری کرونا استفاده از فضای مجازی جایگاه ویژه‌ای در آموزش پیدا کرده است
موثر بر تربیت هنری	مولفه های سیاسی	اهمیت قائل شدن برای هنر	میزان اهمیت قائل شدن به هنر و میزان مصرف محصولات فرهنگی و سرانه محصولاتی نظیر کتاب، تئاتر، بازدید از موزه ها و نمایشگاه های هنری، کنسرت های موسیقی و سینما همگی از تاثیرات تعیین کننده فرهنگ و اجتماع محسوب می شود
		اولویت ها و نظام های فکر جامعه	رویکرد فرهنگ هر جامعه ای به حوزه هنر، تابع اولویت ها و نظام فکری آن است

حمایت های مادی و معنوی	هنر یک زبان فطری و جهانی است اما مولفه های فرهنگی در هویت هنری و فرهنگی به شرط توجه و تمرکز بر هنر و در حاشیه نبودن آن و حمایت های مادی و معنوی تاثیر به سزایی دارد		
تابعی از تصمیمات نظام سیاسی	تولید هنری و کارکردهای عمومی آن در جامعه، به رغم آزادی ذاتی اش، تابعی از تصمیمات نظام سیاسی است		
مولفه های فرهنگی	میزان مصرف محصولات فرهنگی سرانه محصولات فرهنگی میزان مصرف محصولات فرهنگی سرانه محصولات فرهنگی	میزان مصرف محصولات فرهنگی	مولفه های فرهنگی
مولفه های دلالت کننده بر تربیت هنری	هنر یک زبان فطری و جهانی است اما مولفه های فرهنگی در هویت هنری و فرهنگی به شرط توجه و تمرکز بر هنر و در حاشیه نبودن آن و حمایت های مادی و معنوی تاثیری به سزایی دارد	توجه فرهنگ جامعه به هنر	مولفه های دلالت کننده بر تربیت هنری
مولفه های اجتماعی	فرهنگ و اجتماع، الهام بخش تولیدات هنری میتواند باشد	الهام بخشی فرهنگ در تولیدات هنری	مولفه های اجتماعی
	عواطفی که آثار هنری در ناظرین تولید می نماید جنبه ای اجتماعی دارد	عواطف مبتنی بر جنبه های اجتماعی	
	فضایی که دانش آموز در آن تربیت می یابد، در گرایشات ذهنی او تاثیر می گذارد	فضایی که دانش آموز در آن	

تربیت می یابد	شکل گیری اندیشه هنری در جامعه
شکل گیری	هنر زاینده اجتماع بوده و در جامعه شکل گرفته و
اندیشه	پدید می آید زیرا هنر، در خلا شکل گرفته و پدیدار
هنری در	نمی گردد و هنرمند هنگامی که روایتگر عالم خارج
جامعه	است به نمایش دنیای درونی ای که هیچ ارتباطی با عالم خارج نداشته باشد نمی پردازد



شکل ۱. مولفه های موثر بر تربیت هنری

۴. نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناسایی عوامل موثر بر تربیت هنری دانش آموزان دوره متوسطه انجام شد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که عوامل موثر در بهبود و ارتقاء تربیت هنری دانش آموزان در دوره متوسطه در چهار مقوله اجتماعی (فضایی که دانش آموز در آن تربیت می یابد، عواطف مبتنی بر جنبه های اجتماعی و شکل گیری اندیشه هنری در جامعه)، فرهنگی (توجه فرهنگ جامعه به هنر، سرانه محصولات هنری، میزان مصرف محصولات فرهنگی و الهام بخشی فرهنگ در تولیدات هنری) و سیاسی (اهمیت قابل شدن به هنر، اولویت ها و نظام های فکری جامعه، حمایت های مادی و معنوی و تابعی از تصمیمات نظام سیاسی) و فناوری (پیشرفت تکنولوژی و استفاده از فضای مجازی) و چهارده زیر مقوله تقسیم می گردند. این پژوهش با این باور انجام شد که ارتقا کیفیت تربیت هنری دانش آموزان مورد غفلت واقع شده است و پژوهش جامع و کاملی

در این زمینه صورت نگرفته است. به طور کلی می توان گفت که نظام آموزش و پرورش منبع اصلی و اساسی تربیت نیروی انسانی برای آینده کشور می باشند و بنابراین آموزش دوره متوسطه باید از کیفیت لازم جهت تربیت دانش آموزان به منظور آماده سازی آنان برای ورود به جامعه را داشته باشد.

مصاحبه شوندگان این پژوهش معتقد بودند که عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناوری نقش بسیار مهمی در تربیت هنری دانش آموزان ایفا می کند و توجه به این مولفه ها در برنامه ریزی درسی و آموزشی منجر به بهبود تربیت هنری فراگیران خواهد شد

با توجه به نتایج پژوهش راهکارهای پیشنهادی به منظور بهبود تربیت هنری دانش آموزان در ذیل ارائه می گردد:

۱. اصلاح ساختار نظام آموزش و پرورش در دوره متوسطه با تاکید و توجه به شکوفایی همه جنبه ها و استعداد های فراگیران از قبیل استعداد های هنری آنان.

۲. ظرفیت سازی برای توسعه و گسترش هنر در مدارس متوسطه از طریق ایجاد تعامل بین مدارس و فرهنگستان هنر، حوزه هنری، سازمان فرهنگی و هنری، وزارت فرهنگ و ارشاد و سازمان میراث فرهنگی.

۳. ظرفیت سازی برای آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در حوزه هنر جهت آموزش هنر در دوره ابتدایی

۴. پژوهش پیش رو نشان داد که عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فناوری تاثیر قابل ملاحظه ای بر تربیت هنری دانش آموزان دوره متوسطه دارند. لذا پیشنهاد می شود همایش ها و گردهمایی ها، مسابقه های علمی و فراخوان مقاله مرتبط با موضوع تربیت هنری برگزار گردد.

۵. منابع

۱. امین خندقی، مقصود، پاک مهر، حمیده، (۱۳۹۲)، حاکمیت سنت دیسیپلین محوری بر جهت گیریهای برنامه درسی تربیت هنری معلمان هنر دوره راهنمایی تحصیلی: چالشها و آسیبها، دوفصلنامه علمی پژوهشی رویکردهای نوین آموزشی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۴۶-۲۱.
۲. امینی، محمد، (۱۳۹۷). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران، انتشارات آبیژ.
۳. انتظامی، مهسا و سیف نراقی، مریم و نادری، عزت اله. (۱۳۹۶). عملکرد تربیت هنری بر مبنای عناصر برنامه درسی در درس علوم تجربی پایه ششم ابتدایی در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ شهر تهران. فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار ۱۳۹۶، سال سی و سوم، شماره ۱ (پیاپی ۱۲۹)، صص ۷۵-۹۲.
۴. حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۹۵)، مقدمهای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- دلور، علی، (۱۳۸۹)، روش شناسی کیفی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۴، صص ۳۲۹-۳۰۷.

۵. رازقی، منیر، میرزمانی بافقی، سید محمود، عراقیه، علیرضا، (۱۳۹۴)، بررسی دوره‌های آموزش ضمن خدمت از دیدگاه کارشناسان مراکز ناتوانی یادگیری در شهرستانهای استان تهران، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۲۴-۳۸.

۶. مهرمحمدی، محمود و کیان، مرجان. ۱۳۹۴. برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. تهران، انتشارات سمت.

۷. Eisner, E. W. (۲۰۱۳). Educational Objectives—Help or Hindrance?. In *Curriculum Studies Reader E2* (pp. ۹۳-۹۹). Routledge.

۸. Maryanti, R., Nandiyanto, A. B. D., Hufad, A., & Sunardi, S. (۲۰۲۱). Science education for students with special needs in Indonesia: From definition, systematic review, education system, to curriculum. *Indonesian Journal of Community and Special Needs Education*, 1(۱), ۱-۸.

۹. Oleksiuk, O., Rebrova, O., & Mikulinska, O. (۲۰۱۹). Dramatic hermeneutics as a perspective technology in the artistic education. *Journal of History Culture and Art Research*, 8(۳), ۱۰۰-۱۱۲.

۱۰. Sukma, E., Ramadhan, S., & Indriyani, V. (۲۰۲۰, March). Integration of environmental education in elementary schools. In *Journal of Physics: Conference Series* (Vol. ۱۴۸۱, No. ۱, p. ۰۱۲۱۳۶). IOP Publishing.